

داوری در باب تعارض آرای نجاشی و دیگر رجال شناسان متقدم شیعه

دکتر محمد تقی دیباری بیدگلی*

چکیده

تعارض آرای رجال شناسان دربارهٔ راویان احادیث، از جمله مباحث مطرح در کتابهای رجالی و اصولی است. آنان در آثار و تألیفات خود به تعارض جرح و تعدیل پرداخته‌اند و راهکارهایی ارائه نموده‌اند. بیشتر ایشان به هنگام تعارض میان آرای رجال شناسان متقدم شیعه، رأی نجاشی را بر دیگران مقدم داشته‌اند. در این نوشتار ضمن بیان امتیازات ویژه نجاشی، وجه تقدیم قول او بر سایر رجال شناسان مشخص شده و نمونه‌هایی از جرح و تعدیلها و مقایسه آرای نجاشی با دیگران ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: نجاشی، جرح و تعدیل تعارض آرا، رجال شناسان، شیخ طوسی، شیخ مفید، ابن غضائری، شیخ صدوق.



طرح مسئله

از جمله مباحث مطرح در کتابهای رجالی و اصولی، تعارض آرای رجال شناسان دربارهٔ راویان احادیث است؛ هنگامی که دو یا چند عالم رجالی دربارهٔ یک راوی، دو نظر متعارض دارند، مثلاً یکی او را ستوده و دیگری او را نکوهیده، کدام یک از آنها مقدم است؟ (البته این در صورتی است که بین دو نظر، تعارض واقعی باشد؛ اما اگر تعارض ظاهری وجود داشته باشد، در این صورت، احتمال جمع این دو وجود خواهد داشت).

علامه وحید بهبهانی^۱ در این زمینه می‌فرماید:

در این گونه موارد، همان سخن معروف فقها و اصولیان است که می‌گویند: الجمع مهما ممکن اولی من الطرح (اگر جمع بین آرا ممکن باشد، طرح آنها روا نیست). ولی در مواردی نمی‌توان بین نظریات علمای رجالی جمع کرد؛ مثلاً در جایی که یک رجالی ادعا دارد فلان راوی ثقة است، ولی دیگری او را بشدت تضعیف کرده است.^۲

راه کار عملی در صورت تعارض جرح و تعدیل

اصولیان در آثار و تألیفات ویژه خود به این مقوله یعنی تعارض جرح و تعدیل پرداخته‌اند؛ صاحب فصول، اصل بحث را این گونه مطرح کرده است:

زمانی که جرح و تعدیل تعارض کند، بعضی گفته‌اند که جرح مقدم است^۳ و برخی گفته‌اند تعدیل مطلقاً مقدم است^۴ و بعضی نیز قایل به تفصیل شده‌اند^۵ و برخی نیز قایل به توقف‌اند^۶.

صاحب معالم نیز در این باره می‌نویسد:

وقتی جرح و تعدیل تعارض کند، بیشتر علما گفته‌اند که جرح مقدم می‌شود؛ زیرا در جرح جمع بین جرح و تعدیل است؛ زیرا نهایت قول معذل، آن است که راوی را فاسق نمی‌دانند؛ ولی جارح می‌گوید: من او را فاسق دانسته‌ام؛ پس اگر به عدالت او حکم کنیم، جارح کاذب خواهد بود؛ ولی اگر به فسق او حکم کنیم، هر دو صادق خواهند بود، پس جمع، بهتر است؛ ولی این دلیل مردود است و به همین جهت است که علامه سید جمال الدین بن طاووس فرموده است: اگر یک قول وجه رجحان داشته باشد، عقل صحیح حکم به اعتبار و تقدیم آن می‌کند و باید براساس همان قول راجح عمل شود؛ در غیر این

۲۱۲



فصل فی تفسیر علم حدیث

۱. منتهی المقال، ج ۱، ص ۴۴.

۲. الرعايه، ص ۱۹۹؛ الفوائد الرجالية، ج ۲، ص ۴۵.

۳. علامه مامقانی یادآور شده‌اند که برخی این قول را نقل کرده‌اند، لکن گویندهٔ آن را نیافتیم و دلیلی هم بر آن نیست.

ر.ک: مقیاس الهدایة، ج ۲، ص ۱۱۳.

۴. الروايع السماوية، ص ۱۶۹؛ نیز ر.ک: مقیاس الهدایة، ج ۲، ص ۸۳-۹۶.

۵. ر.ک: معارج الاصول، ص ۱۵۱؛ درایة شهید ثانی، ص ۷۳.

۶. الفصول الغروية، ص ۳۰۳.

صورت، توقف لازم است.^۷

صاحب معالم آنگاه می‌فرماید: آنچه سید بن طاووس فرموده، متین است.^۸

تعارض رأی نجاشی با دیگر رجال شناسان متقدم

علاوه بر وجوهی که در مقام تعارض جرح و تعدیل گفته شد، نوعاً علما در هنگام تعارض میان رأی رجال شناسان متقدم شیعه، رأی نجاشی را بر دیگران مقدم داشته‌اند؛ در این نوشتار نگارنده در صدد است تا ضمن بیان امتیازات ویژه نجاشی و برتری‌های وی به ویژه در دانش رجال و نسب‌شناسی، وجه تقدیم قول او را بر سایر رجال شناسان مشخص سازد، ضمناً به نمونه‌هایی از جرح و تعدیل‌ها و مقایسه رأی نجاشی و ابن غضایری، شیخ طوسی و شیخ مفید و شیخ صدوق و راه حل‌های عملی آنها اشاره خواهد شد.

۱. درباره نجاشی و کتاب رجالی وی

ابوالعباس، احمد بن علی بن محمد اسدی نجاشی کوفی (۳۷۲ - ۴۵۰ ق) از دانشمندان بزرگ به ویژه از رجال شناسان نامور شیعه، در قرن چهارم و پنجم هجری به شمار می‌رود. وی دانش حدیث و رجال را از مشایخ معروف عصر خود چون شیخ مفید، سید مرتضی، ابن نوح سیرافی، ابن الجندی، ابن قره‌کاتب و حسین بن عبیدالله غضایری و جز آنان فرا گرفته است. وی علاوه بر کتاب معروف رجال خود - که از معتبرترین کتب رجالی شیعه محسوب می‌شود - دارای کتابهایی با عنوان تفسیر قرآن و اخبار الوكلاء الاربعة است.^۹

کتاب الرجال نجاشی، بسان دائرة المعارفی است که در آن، اطلاعاتی ارزشمند در باب حوزه‌های دینی و پایگاه‌های، حدیثی شیعه، روابط حوزه‌ها با یکدیگر، راویان و اصحاب خاص امامان شیعه، کیفیت تماس و رویت از آنان، آثار، اصول و مصنفات حدیثی شیعه، دقت و مواظبت علما بر حفظ میراث گرانقدر حدیثی، شناسایی غلات و طرد آنان از مسیر حدیث، بازشناسی نسخه‌های سالم از نسخ جعلی و تحریف شده، اصول و ضوابط جرح و تعدیل و... گرد آمده است.^{۱۰}

مؤلف محترم در این اثر، جمعاً ۱۲۶۹ نفر از مصنفان شیعه را - که در فاصله قرن دوم تا پنجم هجری می‌زیسته‌اند - معرفی کرده است که از این عده، بسیاری در شمار اصحاب و

۷. معارج الاصول، ص ۱۵۱.

۸. معالم الدین، ص ۲۰۶ و ص ۲۰۷.

۹. ر.ک: کلیات فی علم الرجال، ص ۵۲-۶۳.

۱۰. پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، ص ۴۳۹؛ نیز ر.ک: الذریعة، ج ۱۰، ص ۱۵۴.

راویان امامان علیهم السلام قرار دارند.

وی در مقدمه کتابش خود را ملتزم می‌شمارد تا از مؤلفان شیعه نام ببرد. بر این اساس، هر کس را که نجاشی در کتابش به بیان شرح حال او نپرداخته است، امامی مذهب محسوب می‌شود؛ مگر اینکه خود به خلاف آن تصریح کند.

در این کتاب، علاوه بر یادکرد مؤلفان شیعی، به شرح حال گروهی از نگارندگان غیر شیعه نیز توجه نموده است؛ اما در هر مورد به گرایش مذهبی و انحراف و فساد آن اشاره نموده است.^{۱۱}

نجاشی، در بیان انگیزه خود از تألیف این کتاب می‌نویسد:

من یادآور نکته‌ای شدم که سید شریف (مرتضی)، که خدا بقای او را طولانی و توفیقاتش را مستدام بدارد - خاطر نشان ساخته بود و آن نکته عبارت از بیان اعتراض گروهی از مخالفان ما بود که می‌گویند: شما شیعیان فاقد پیشینه علمی و تصنیفات می‌باشید. البته این اظهارات از طرف کسانی که اطلاع روشنی از وضع شیعیان ندارند، تأمل در اخبار آنان ندانسته‌اند، به موقعیت علمی و تاریخی سرگذشت علمایشان واقف نبودند، با احدی از دانشمندان ملاقات نکردند تا مقام علمی آنان را بشناسند، بسیار طبیعی است. امام اگر کسی از حقیقت ناآگاه و بی‌خبر است، طبعاً او حجت و دلیل علیه ما ندارد. من از آثار شیعیان آن قدر که در توان داشتیم، جمع‌آوری نمودم اگرچه نتوانستم به همه کتابهای آنان دست یابم. زیرا اکثر کتب شیعیان در دسترس نیست و این تذکر را برای کسانی می‌دهم که در آینده با کتبی برخورد می‌نمایند و من در الفهرست خود از آن یادی نکرده‌ام.^{۱۲}

۲. تقدم زمانی الرجال و الفهرست شیخ و تقدم رتبی الرجال نجاشی

گرچه نگارش کتاب رجال نجاشی به لحاظ زمانی از کتابهای مهم رجال شیعه از جمله کشی، ابن غضائری و حتی شیخ طوسی علیه السلام (م ۴۶۰ ق) مؤخر است، به لحاظ جایگاه و رتبه علمی و تخصصی از جهاتی بر کتابهای رجال متقدم شیعه، ممتاز و مقدم است. اینکه گفته شد کتاب نجاشی پس از کتاب شیخ تألیف شده است. بدین قرینه است که نجاشی در الفهرست خود از شیخ و تالیفات وی از جمله الفهرست نام برده، در حالی که در الفهرست شیخ از نجاشی و تالیفات وی نامی نیست. برخی دلیل یاد نشدن کتاب نجاشی را در الفهرست شیخ و همچنین یاد کردن نجاشی کتاب شیخ را، احتمالاً نشان از معروفیت و عظمت علمی شیخ طوسی و کتابهایش در جامعه شیعی آن روزگار و برخوردار نبودن نجاشی از شهرتی که موجب توجه کامل به خود یا کتابش گردد، می‌دانند. لیکن با این همه بررسی و مقابله دو کتاب مزبور و



برخورد به عباراتی در *الفهرست نجاشی* که عیناً عبارات *الفهرست شیخ* با پاره‌ای اضافات است و مشاهده شیوه بیان نجاشی در بسیاری از موارد که نمایشگر نظر انتقادی وی نسبت به مطالب *الفهرست شیخ* است، تقریباً جای تردیدی در این باقی نمی‌گذارد که *الفهرست نجاشی* پس از *الفهرست شیخ* تألیف شده است.^{۱۳}

همان‌گونه که اشاره شد، *الفهرست نجاشی*، مهم‌ترین کتاب رجال متقدم شیعه، نظیر *الکافی کلینی* در میان کتب اربعه است. شیخ آغا بزرگ تهرانی درباره جایگاه و رتبه نجاشی و اثر رجالی وی می‌نویسد:

وهو افضل من خط فی علم الرجال او نطق بفهم، لا یقاس بسواه ولا یعدل به من عداه، بل قوله المقدم عند المعارضة علی غیره من ائمة الرجال، قال السید بحر العلوم فی رجاله: «و بتقدمه صرح جماعة من الاصحاب نظراً الی کتابه الذی لا نظیر له فی هذا الباب و الظاهر أنه الصواب انتهى».^{۱۴}

وی (نجاشی) بهترین نگارنده‌ای است که در دانش رجال نگاشته و سخن گفته است، احدی با او برابری نمی‌کند، بلکه سخن او به هنگام تعارض بر اقوال دیگر پیشوایان دانش رجال مقدم است. سید بحر العلوم در کتاب *رجال خود* می‌گوید: گروهی از اصحاب بر تقدیم سخن نجاشی بر دیگران تصریح نموده‌اند، با توجه به کتاب رجال او که در این موضوع، بی نظیر است و ظاهراً سخن صواب و حق هم، همین است.

مرحوم حاجی نوری در *خاتمه مستدرک الوسائل*، یکی از وجوه برتری و تقدم قول نجاشی را بر قول شیخ این می‌داند که *الفهرست شیخ* از جمله کتابهایی است که وی در آغاز تألیفاتش نگاشته است و برعکس رجال نجاشی از جمله آخرین تألیفات وی به شمار می‌رود که زمان کمال مهارت و اطلاع اوست.^{۱۵}

برخی از محققان و نویسندگان معاصر از جمله ملا محمد تقی شوشتری، سید موسی شبیری زنجانی و نیز استاد جعفر سبحانی در آثار قلمی خود امتیازات شخصیتی و رجالی او را بر شمرده‌اند. بنا بر اظهار نظر محقق رجالی شیخ محمد تقی شوشتری، موجب اصلی اشتباهات شیخ (طوسی) آن است که وی از *الفهرست ابن ندیم* که چندان متقن و مورد اعتماد نیست، در موارد بسیاری نقل کرده^{۱۶} و از این رو، هرگاه میان نظر شیخ و نجاشی در مواردی اختلاف باشد، سخن نجاشی مقدم است زیرا وی در سرتاسر کتاب خود به جز یک بار، از

۱۳. چهار کتاب اصلی علم رجال، ص ۴۸ و ص ۴۹.

۱۴. الذریعة، ج ۱۰، ص ۱۵۴.

۱۵. همان.

۱۶. «الظاهر اصحیة قول النجاشی، حیث ان الشیخ فی الفهرست استند الی ابن الندیم الذی قد عرفت فی المقدمة کثرة اوامه». (قاموس الرجال، ج ۸، ص ۳۷۷).

کتاب مزبور سخنی نقل نکرده است. با این حال در مواردی اختلاف میان شیخ و نجاشی، همیشه نمی‌توان به تقدم سخن نجاشی حکم کرد، بلکه حاکم نهایی در غالب موارد، قرائن و امارات خارجی است.^{۱۷}

برخی از محققان، امتیازات نجاشی را در این امور خلاصه کرده‌اند:

۱. وی از خاندان عرب بودند.
۲. عرب‌شناسی ماهر و کم نظیر بودند.
۳. استادان وی از مجتهدان طراز اول فنی رجال بودند از جمله: ابن نوح سیرافی، حسین بن عبیدالله غضایری و شیخ مفید و...
۴. وی تنها در همین رشته‌ی علمی، عمر پر برکتش را وقف نمودند.
۵. ایشان، مصادر و مأخذ بی‌شماری از رجالیون و محققان قبل از خود را در اختیار داشته‌اند.^{۱۸}

استاد جعفر سبحانی از اندیشمندان برجسته‌ی معاصر در اثر سودمند خود، ویژگی‌ها و امتیازات نجاشی و *الفهرست* وی را این‌گونه بر شمرده است:

۱. اختصاص کتاب وی به رجال شیعه.
 ۲. جرح و تعدیل راویان در اکثر موارد.
 ۳. دقت و تأمل در مقالات و افادات وی:
- والمعروف انه اثبت علماء الرجال و اضبطهم و اضبط من الشيخ و العلامة، لان البناء علی كثرة التألیف یقتضی قلة التأمل^{۱۹}.
۴. گستردگی اطلاعات وی در خصوص دانش رجال و آشنایی فراوان با افراد، اوصاف، انساب و امثال آن.
 ۵. بهره‌گیری گسترده از استادان فن رجال نظیر غضایری، سیرافی، ابن الجندی، ابن قره کاتب و...

۶. *الفهرست* نجاشی پس از *الفهرست* شیخ نگاشته شده است؛ و چه بسا در مواردی، آرای و نظرات شیخ را تصحیح نموده است و در واقع رجال نجاشی به منزله‌ی حاشیه و پاورقی بر *الفهرست* شیخ طوسی رحمته به حساب می‌آید:

۱۷. چهار کتاب اصلی علم رجال، ص ۵۷-۵۸ به نقل از *قاموس الرجال*، ج ۱، ص ۳۷-۳۹.

۱۸. *رجال نجاشی* مهمترین کتاب رجال شیعه، ص ۱۶۴-۱۶۸.

۱۹. مشهور این است که وی دقیق‌ترین و ضابط‌ترین رجال‌شناسان است و حتی از شیخ (طوسی) و علامه (حلی) نیز اضبط است؛ زیرا تألیفات زیاد نوعاً ملازم با کم‌دقتی است.



وكان المحقق البروجردی - قدس سره - يعتقد بأن فهرس النجاشی كالذیل لفهرست
الشیخ ۲۰، ۲۱

مرحوم سید بحر العلوم رحمته هم، موجبات تقدیم کتاب رجال نجاشی بر سایر کتابها را این

چنین بیان می‌دارد:

۱. تألیف رجال نجاشی، پس از دو کتاب شیخ طوسی رحمته است.
وهذان الكتابان... وقد لحظهما النجاشی فی تصنیفه وکان له من احد الاسباب الممّدة و
العلل المعّدة و زاد علیهما شیئاً کثیرة و خالف الشیخ فی کثیر من المواضع.

۲. تخصص نجاشی در علم رجال بر خلاف شیخ طوسی که چنین نبوده است.

۳. آشنایی کامل نجاشی به دانش تبارشناسی و اخبار قبایل و شهرها که فراوان با دانش

رجال مرتبط است.

۴. اکثر روایان از ائمه علیهم السلام از اهالی کوفه و حومه اطراف آن بوده‌اند و از این جهت که

نجاشی هم از چهره‌های برجسته علمی کوفه است. به نظر می‌رسد که با احوال آنان، شهر و
خاستگاه آنان آشناتر باشد.

۵. ارتباط نجاشی با ابن غضایری که از چهره‌های بنام دانش رجال بودند؛ نجاشی از وی

بهره‌های فراوانی برده‌اند.

۶. ارتباط و استفاده علمی فراوان نجاشی از مشایخ بزرگ دانش رجال، نظیر شیخ مفید،

احمد بن علی بن نوح سیرافی، احمد بن محمد الجندی و محمد بن علی الکاتب و جز آنان.^{۲۲}

۳. تعارض بین رأی نجاشی و ابن غضایری (م ۴۱۱ ق)

با توجه به اینکه نجاشی، شاگرد ابن غضایری است.^{۲۳} و در موارد زیادی از استاد خودش و

نیز احمد بن الحسین الغضائری در کتاب رجال خود نقل کرده است.^{۲۴} و این‌گونه به نظر

می‌رسد که وی در برخی از تضعیفات، متأثر از ایده استاد خود در کتاب الضعفاء است.^{۲۵} ولی

۲۰. مرحوم آیه الله بروجردی رحمته معتقد بود که الفهرست نجاشی رحمته به منزله پاورقی بر الفهرست شیخ طوسی رحمته است.

۲۱. کلیات فی علم الرجال، ص ۶۲-۶۳.

۲۲. اصول علم الرجال، ص ۱۶۷ و ص ۱۶۸ به نقل از رجال السید بحر العلوم، ج ۲، ص ۴۶ به بعد.

۲۳. رجال النجاشی، ص ۶۹، ش ۱۶۶.

۲۴. مواردی که نجاشی از استاد خود و احمد بن الحسین غضایری در رجالش آورده است، عبارت‌اند از: رقم ۷، ۲۳،

۴۴، ۴۸، ۴۹، ۷۴، ۹۰، ۱۱۷، ۱۵۴، ۱۸۲، ۲۰۰، ۲۲۵، ۳۱۰، ۳۱۳، ۳۶۷، ۳۷۰، ۳۹۵، ۴۰۸، ۴۹۰، ۵۱۷، ۵۲۷، ۶۷۶، ۸۸۶

۹۴۹، ۹۹۹، ۱۱۲۷ و ۱۲۵۴.

۲۵. مرحوم آقای خویی رحمته می‌فرماید: ابن غضایری اگرچه از اجلای اصحاب است و توثیقات او مثل نجاشی و شیخ اثر

دارد، ولی انتساب کتابی که در دسترس است و تضعیفات و توثیقات از آن نقل می‌شود به ابن غضایری ثابت نیست.

(التقیح، کتاب الصلاة، ج ۱، ص ۴۰۷).

در اکثر موارد این چنین نیست. علماً معمولاً در صورت تعارض بین قول (توثیق) نجاشی و قول (تضعیف) ابن غضایری، سخن نجاشی را مقدم می‌دارند. در این بخش نمونه‌هایی از این موارد را یادآور می‌شوم:

الف. محمد بن اسماعیل برمکی

نجاشی درباره محمد بن اسماعیل بن احمد بن بشیر برمکی می‌گوید: «وكان ثقة مستقيماً».^{۲۶} وی در رجال ابن غضایری تضعیف شده است.^{۲۷} علامه قول نجاشی و ابن غضایری هر دو را نقل کرده، سپس قول نجاشی را ترجیح داده است: «وقول النجاشي عندي ارجح».^{۲۸} و در رجال ابن داود^{۲۹} هم آمده است: «و ضعفه الغضائري و الثقة ارجح».^{۳۰} گفتنی است که بسیاری از فقها تضعیفات ابن غضایری را معتبر ندانسته‌اند؛ به ویژه در صورتی که معارض نیز داشته باشد.^{۳۱}

ب. ابراهیم بن عمر یمانی

نجاشی وی را توثیق کرده است.^{۳۲} لکن ابن غضایری وی را تضعیف کرده است،^{۳۳} علامه^{*} پس از نقل توثیق و تضعیف ابن غضایری می‌گوید:

والارجح عندي قبول روايته وان حصل بعض الشك بالطعن فيه.^{۳۴}

علامه اردبیلی نیز پس از نقل روایاتی از صدوق^{۳۵} و کلینی^{۳۶} در من لا يحضره الفقيه^{۳۵} الكافي^{۳۶}، درباره ابراهیم بن عمر یمانی صنعانی، که در طریق آنها واقع شده، توثیق نجاشی و علامه و تضعیف ابن غضایری را مطرح کرده، قول نجاشی را ترجیح داده، می‌گوید:

والاول ارجح و هو ظاهر، لان الغضائري مع كونه واحداً ما ثبت توثيقه، فانه الحسين بن عبيدالله.^{۳۷}

علامه سید علی طباطبائی، نیز قول نجاشی را در توثیق ابراهیم بن عمر بر تضعیف ابن



۲۶. رجال النجاشی، ص ۳۴۱، ش ۹۱۵.

۲۷. الرجال لابن الغضائري، ص ۹۷.

۲۸. خلاصة الأقوال في معرفة الرجال، ص ۲۵۸، ش ۸۹.

۲۹. ص ۱۶۵، ش ۱۳۱۳.

۳۰. الرجال لابن الغضائري، ص ۹۷ و ۹۸ باورقی.

۳۱. ر.ک: تنقیح المقال، ج ۱، ص ۲۱۸؛ خلاصة الاقوال، ص ۵۱، ش ۱۵؛ جامع الرواة، ج ۱، ص ۱۸۷.

۳۲. رجال النجاشی، ص ۲۰، ش ۲۶.

۳۳. الرجال لابن الغضائري، ص ۳۶، ش ۲.

۳۴. خلاصة الأقوال في معرفة الرجال، ص ۵۱، ش ۱۵.

۳۵. ر.ک: من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۷۴.

۳۶. ر.ک: الكافي، ج ۵، ص ۱۴۵.

۳۷. مجمع الفوائد، ج ۸، ص ۴۵۵.

غضایری مقدم داشته است، و در ذیل مسئله‌ای چنین فرموده است:
 ... و ابراهیم بن عمر و هو ثقة علی الاظهر و تضعیف ابن الغضائری له ضعیف معارض
 بتوثیق النجاشی له المقدم علیه عند التعارض. ۳۸.

ج. سلیمان بن داوود منقری

نجاشی، وی را توثیق کرده، ولی توثیق او با تضعیف صریح ابن غضایری معارض است. ۳۹ در
 رجال ابن غضایری آمده است:

«ضعیف جداً، لا یلتفت الیه، یوضع [یضع] کثیراً علی المهمات». ۴۰

آقای خوئی^ع در ذیل حدیث مکاتبه عبدالله بن وضاح^ع فرموده است:

«چه بسا گفته شود این روایت به حسب سند ضعیف است؛ زیرا در سند آن، سلیمان بن
 داوود منقری وجود دارد، کسی که نجاشی او را توثیق کرده، ولی توثیق او با تضعیف ابن
 غضایری معارض است؛ پس دلیلی بر وثاقت او وجود ندارد؛ اما صحیح، موثق بودن
 روایت است و توثیق نجاشی با چیزی معارض نیست؛ زیرا گرچه تضعیفات ابن غضایری
 مثل توثیقات او معتبر است؛ و توثیقات او کمتر از توثیقات نجاشی و شیخ و امثال آنان
 نیست، ولی چون معلوم نیست کتابی که الان در دسترس ماست و تضعیفات در آن، منتسب
 به ابن غضایری است، از آن وی باشد، در نتیجه توثیقات نجاشی بلا معارض است». ۴۱

د. یحیی بن محمد بن علی بن الحلبی

نجاشی، او را توثیق نموده و در زمره اصحاب امام صادق^ع شمرده، درباره وی می‌گوید: «أثقة
 ثقة عین». ۴۲ ابن غضایری او را تضعیف کرده است. ۴۳ علامه حلی^ع پس از بیان تضعیف و
 توثیق ابن غضایری و نجاشی، قایل به توقف شده، می‌گوید: «و عندی فی قبول روایت توقف و ان
 کان الارجح القبول» ۴۴ ابن داوود نیز پس از نقل تضعیف ابن غضایری، وثاقت او را ترجیح
 می‌دهد. ۴۵ آقای خوئی با توجه به اینکه نسبت کتاب [الضعفاء] را به ابن غضایری، درست
 نمی‌داند، توثیق نجاشی را بدون معارض دانسته است. ۴۶

۳۸. ریاض المسائل، ج ۲، ص ۱۰۱؛ و نیز ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۲۶۴.

۳۹. رجال النجاشی، ص ۱۸۴، ش ۴۸۸.

۴۰. الرجال لابن الغضائری، ص ۶۵، ش ۵۸.

۴۱. ر.ک: وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۱۲۹.

۴۲. التنقیح، ج ۱، ص ۲۵۵.

۴۳. رجال النجاشی، ص ۴۴۱، ش ۱۱۸.

۴۴. الرجال لابن الغضائری، ص ۱۰۲، ش ۱۵۵.

۴۵. خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال، ص ۲۹۳، ش ۱۰۸۴.

۴۶. رجال ابن داوود، ش ۱۷۱۲.

۴۷. معجم رجال الحدیث، ج ۲۰، ص ۶۸ ش ۱۳۵۵۷.

ه. ابراهیم بن سلیمان بن عبدالله بن حیّان

شیخ طوسی^{۴۸} و نجاشی^{۴۹} وی را توثیق کرده‌اند^{۴۸}؛ ولی ابن غضایری او را تضعیف نموده و گفته است:

یروی عن الضعفاء کثیراً و فی مذهبه ضعف^{۴۹}.

علامه^{۵۰} در رجال خودش، ضمن نقل توثیق شیخ^{۵۱} و نجاشی^{۵۲} و تضعیف ابن غضایری، می‌فرماید: «و حیثنذ یقوی عندی العمل بما یروی به^{۵۱}». ۵۱
آقای خویی^{۵۲} می‌فرماید:

اگر ضعف در مذهب ابراهیم بن سلیمان هم ثابت بشود، با وثاقت وی در حدیث منافات نخواهد داشت. گرچه ضعف اعتقادی او نیز ثابت نیست؛ به دلیل اینکه ثبوت کتاب [الضعفاء] از ابن غضایری، ثابت نیست. همچنان که در مقدمه کتاب یادآور شدیم.^{۵۲}

۴. تعارض بین رأی نجاشی^{۵۳} و شیخ مفید^{۵۴} (م ۴۱۳ ق)

نجاشی^{۵۳} از شاگردان شیخ مفید^{۵۴} به شمار می‌رود و وی از استادش در کتاب رجال خود فراوان یاد کرده است؛^{۵۳} با وجود اینکه معمولاً در مقام تعارض آرای رجال شناسان، علما رأی نجاشی را به دلایل متعدّد از جمله اضط بودن وی بر آرای دیگران مقدم داشته‌اند، اگر بین شیخ مفید^{۵۴} از یک سو و نجاشی^{۵۳} از سوی دیگر، تعارض پیش آید، همگان در همه موارد سخن نجاشی را بر شیخ مفید ترجیح نداده‌اند. در اینجا تنها به نقل دو نمونه از این تعارض‌ها بسنده می‌کنم:

الف. مفضّل بن عمر جعفی

مفضّل از اصحاب امام صادق^{۵۵} و امام کاظم^{۵۶} است^{۵۴}؛ نجاشی وی را فاسد المذهب، مضطرب الروایة معرفی نموده^{۵۵} و ابن غضایری، وی را ضعیف، متهافت، مرتفع القول و

۴۸. الفهرست، ص ۶، ش ۸؛ رجال النجاشی، ص ۱۸، ش ۲۰.

۴۹. الرجال لابن الغضائری، ص ۴۱، ش ۱۳.

۵۰. در این هنگام (تعارض اقوال شیخ و نجاشی با ابن غضایری) نزد من، عمل به روایاتش، رجحان دارد.

۵۱. خلاصة الأقال فی معرفة الرجال، ص ۵۰، ش ۱۱.

۵۲. معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۲۲۹، ش ۱۶۶.

۵۳. نجاشی شرح حال (ترجمة شیخ مفید^{۵۴}) را نیز در الرجال خود آورده است. (ر.ک: رجال النجاشی، ص ۳۹۹، ش ۱۰۷۶) و نیز ر.ک: ش ۱۱۴۰، ۱۹، ۳۳، ۳۵، ۴۹، ۵۰، ۵۶، ۷۲، ۸۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۴۷، ۱۵۳، ۱۵۶، و...

۵۴. وی از هر دو امام بزرگوار روایت کرده است. (ر.ک: خلاصة الأقال، ص ۴۰۷، ش ۱۶۴۷؛ رجال الطوسی، ص ۳۰۷، ش ۴۵۳۰ و ص ۳۴۳، ش ۵۱۲۲).

۵۵. رجال النجاشی، ص ۴۱۶، ش ۱۱۱۲.



مرحوم آقای خوئی^{۵۶}، ضمن نقل سخن رجال شناسان از جمله ابن غضایری، شیخ طوسی، ابن شهر آشوب، شیخ مفید و شیخ صدوق، در کتاب رجال خود، قول شیخ مفید^{۵۷} را بر نجاشی مقدم می‌دارد. شیخ طوسی، وی را از ممدوحین دانسته و ابن شهر آشوب وی را از خواص نامبرده و شیخ مفید و شیخ صدوق نیز وی را توثیق کرده‌اند.^{۵۸} ولی در اثر فقهی خود در بررسی روایتی که در سند آن، مفضل بن عمر واقع شده، به توثیق شیخ مفید و تضعیف نجاشی و ابن غضایری اشاره نموده، می‌فرماید:

با تعارض توثیق و تضعیف، امکان ندارد به او اعتماد کنیم؛ علاوه بر آن، نجاشی براساس آگاهی‌ای که ما داریم، اضطراب از مفید است؛ چه اینکه از مفید گاهی مناقضاتی دیده می‌شود؛ ولی از نجاشی ندیده‌ایم.^{۵۹}

ب. محمد بن سنان زاهری (م ۲۲۰ ق)

وی از اصحاب امام کاظم^{۶۰} و امام رضا^{۶۱} و امام هادی^{۶۲} به شمار آمده است؛^{۶۰} نجاشی، محمد بن سنان را تضعیف کرده است؛^{۶۱} شیخ طوسی نیز او را ضعیف شمرده است؛^{۶۲} و ابن غضایری نیز او را ضعیف دانسته است؛^{۶۳} علامه حلی^{۶۴}، آرای گوناگون دانش‌مندان شیعه از جمله شیخ مفید، شیخ طوسی، نجاشی و ابن غضایری و کشی را نقل نموده، می‌فرماید:

«نظر من توقف و احتیاط در روایات اوست.»

«وقد اختلف علماؤنا فی شأنه، فاشیخ المفید^{۶۵} قال: انه ثقة، و اما الشیخ الطوسی^{۶۶} فانه ضعفه، و کذا قال النجاشی، و ابن الغضائری قال: انه ضعیف غال لا یلتفت الیه، و روی الکشی فیه قدحاً عظیماً و اثنی علیه أيضاً و الوجه عندی التوقف فیما یرویه...»^{۶۴}

آقای خوئی، دو گونه سخن از شیخ مفید را درباره «ابن سنان» نقل نموده است؛ ایشان می‌فرمایند:

۵۶. الرجال لابن الغضائری، ص ۸۷، ش ۱۱۷.

۵۷. ر.ک: الارشاد، ج ۲، ص ۲۱۶.

۵۸. معجم رجال الحدیث، ج ۱۸، ص ۲۹۲-۳۰۵، ش ۱۲۵۸۶.

۵۹. التنقیح، ج ۱، ص ۴۲۰.

۶۰. رجال الطوسی، ص ۳۴۴، ش ۵۱۳۸ و ص ۳۶۴، ش ۵۳۹۴ و ص ۳۷۲، ش ۵۵۸۷.

۶۱. رجال النجاشی، ص ۳۲۸، ش ۸۸۸ و ۴۲۴، ش ۱۱۴۰ ذیل مباح مدائنی.

۶۲. رجال الطوسی، ص ۳۶۴، ش ۵۳۹۴.

۶۳. الرجال لابن الغضائری، ص ۹۲، ش ۱۳۰.

۶۴. خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال، ص ۳۱۴، ش ۱۵۹۱.

۲۲۲ ج. داوود بن کثیر رقی

به عنوان نمونه مرحوم مفید در کتاب *ارشاد*، در باب *نص* بر حضرت رضا علیه السلام فرموده: از کسانی که *نص* بر امامت حضرت رضا را از پدر بزرگوارشان، و اشاره به امامت را از خواص و ثقات و اهل ورع و علم و فقه از شیعیان حضرت رضا روایت کرده‌اند، داوود بن کثیر رقی... و محمد بن سنان هستند. ^{۶۵} این جمله شیخ مفید، توثیق صریح درباره محمد بن سنان است؛ البته مفید، کلامش را در موضعی از رساله خود که درباره ماه رمضان تالیف کرده، نقض کرده و فرموده است: روایتی که دلالت دارد ماه رمضان هیچ‌گاه نقص نمی‌شود، شاید نادر است و مورد اعتماد نیست. در طریق این روایت، محمد بن سنان است که مورد طعن واقع شده و اصحاب ما در اتهام و ضعف او اختلاف ندارند و کسی که این‌گونه باشد، بر او اعتماد نتوان کرد. ^{۶۶} این جمله، به تضعیف محمد بن سنان صراحت دارد؛ و اینها دو کلام متناقضند؛ ولی از نجاشی هیچ‌گاه مناقضه دیده نشده؛ به همین جهت کلام نجاشی مقدم می‌شود؛ خصوصاً که شیخ طوسی، نجاشی و ابن غضایری نیز او را تضعیف کرده‌اند؛ پس روایت او ضعیف است. ^{۶۷}

شیخ طوسی رحمته الله وی را ثقه و از اصحاب امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام دانسته است؛ ^{۶۸} شیخ مفید نیز او را از ثقات امام کاظم علیه السلام و اهل ورع معرفی کرده است؛ ^{۶۹} نجاشی و ابن غضایری او را تضعیف کرده‌اند؛ ^{۷۰} آقای خوئی رحمته الله پس از نقد و بررسی آرای رجال شناسان، از باب تقدم جرح بر تعديل، داوود بن کثیر را ضعیف دانسته و اقوال نجاشی، شیخ و ابن غضایری را بر قول شیخ مفید رحمته الله و دیگران ترجیح داده است. ^{۷۱}

آقای خوئی اضافه می‌کند:

اینکه گفته شده، شهادت نجاشی، ناشی از شهادت ابن غضایری است - که به جرح و تضعیف او اعتنا نمی‌شود - یا اینکه چنانکه از عبارت نجاشی بر می‌آید برخاسته از روایت غالیان از او (داوود) است؛ بنابراین، شهادت نجاشی، توان معارضه با شهادت شیخین (طوسی و مفید) را ندارد، این از امور شگفت‌آور است چون هیچ‌کس قریب‌نمای بر این دو مطلب به ویژه امر دوم وجود ندارد. چگونه ممکن است، روایت غالیان از کسی، سبب حکم به ضعف او از نظر نجاشی باشد در هر حالی که وی متخصص این فن (رجال) است.

۶۵. رک: همان، ج ۲، ص ۲۴۸.

۶۶. رک: رساله الرد علی اهل العدد، ص ۲۰ (مجموعه مصنفات شیخ مفید، ج ۹).

۶۷. التقیح، خوئی، ج ۱، ص ۴۲۰؛ نیز رک: معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۱۵۱-۱۶۳، ش ۱۰۹۱۱.

۶۸. رجال الطوسی، ص ۲۰۲، ش ۲۵۶۷ و ص ۳۳۶، ش ۵۰۰۳.

۶۹. الارشاد، ج ۲، ص ۲۴۸؛ معجم رجال الحدیث، ج ۷، ص ۱۲۳.

۷۰. رجال النجاشی، ص ۱۵۶، ش ۴۱۰؛ الرجال لابن الغضائری، ص ۵۸، ش ۴۶.

۷۱. معجم رجال الحدیث، ج ۷، ص ۱۲۲-۱۲۷، ش ۴۴۲۰.

۵. تعارض بین رأی نجاشی و شیخ طوسی ع (م ۴۶۰ ق) ۷۲

نجاشی و شیخ طوسی و احمد بن حسین بن عبیدالله غضائری همزمان از محضر ابو عبدالله حسین بن عبیدالله غضائری استفاده می نمودند و هر دو موفق شده اند که کتب و آثار علمی او را سماع و قرائت نمایند و از وی اجازه روایت بگیرند؛ ۷۳ همچنان که قبلاً گذشت، *الفهرست* نجاشی پس از *الفهرست* شیخ طوسی نگاشته شده است و چه بسا در مواردی، آرای شیخ را نیز تصحیح نموده است و به تعبیر مرحوم آیه الله بروجردی، *الفهرست* نجاشی بسان پاورقی بر *الفهرست* شیخ طوسی ع به شمار می رود. ۷۴

با بررسی و مقابله رجال و *الفهرست* شیخ طوسی و *الفهرست* نجاشی معلوم می شود که نجاشی در مواردی عیناً عبارات *الفهرست* شیخ را با پاره ای اضافات نقل کرده است و شیوه بیان نجاشی در بسیاری از موارد نشان دهنده نظر انتقادی وی نسبت به مطالب *الفهرست* شیخ است؛ این معنا مؤید این است که *الفهرست* نجاشی، پس از *الفهرست* شیخ تالیف شده است. ۷۵

در رجال نجاشی و *الفهرست* شیخ طوسی، نام هفتصد نفر از مولفان شیعه به طور مشترک

آمده است. لکن در رجال نجاشی، اطلاعات به طور کامل تر و دقیق تر مطرح شده است.

۲۲۳

محقق و رجال شناس معاصر، علامه محمد تقی شوشتری ع، در کتاب *قاموس الرجال*، ضمن اشاره به موارد اشتباهات شیخ طوسی ع، موجب اصلی آن را این می داند که وی از *الفهرست* ابن ندیم که چندان متقن و مورد اعتماد نیست، فراوان نقل کرده و از این جهت، هرگاه میان نظر شیخ و نجاشی در مواردی اختلاف باشد، سخن نجاشی مقدم است... با این حال، همیشه نمی توان به تقدم سخن نجاشی حکم کرد، بلکه حاکم نهایی در غالب موارد قرائن و امارات خارجی است. ۷۶

با این مقدمه، اگر بین توثیق نجاشی و تضعیف شیخ طوسی تعارض پیش آمد، قاعده اقتضا می کند که سخن نجاشی ترجیح داده شود؛ در این مجال نمونه ای از این گونه تعارض ها را یادآور می شوم:

۷۲. درباره آرای رجالی نجاشی و شیخ طوسی ر.ک: مقایسه دیدگاه های رجالی نجاشی و شیخ طوسی، مقالات و

بررسی ها، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، تهران، ش ۶۲، زمستان ۱۳۷۶ ش، ص ۳۹ - ۵۷.

۷۳. *رجال النجاشی*، ص ۸۳ ش ۲۰۰ و ص ۴۰۳، ش ۱۰۶۸ و ۶۹، ش ۱۶۶؛ *رجال الطوسی*، ص ۴۲۵، ش ۶۱۱۷.

۷۴. کلیات فی علم الرجال، ص ۶۲ - ۶۳.

۷۵. ر.ک: *چهار کتاب اصلی علم رجال*، ص ۴۸ - ۴۹.

۷۶. همان، ص ۵۷ و ۵۸؛ *قاموس الرجال*، ج ۸، ص ۳۷۷ و نیز فصل ۲۰ از مقدمات کتاب در ترجمه ابو غالب زراری،

ج ۱، ص ۵۲ - ۵۵.

الف. غیاث بن ابراهیم تمیمی

غیاث بن ابراهیم، از اصحاب امام باقر علیه السلام، امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام شمرده شده است. ^{۷۷} نجاشی وی را به صراحت توثیق کرده است. ^{۷۸} شیخ طوسی علیه السلام وی را "بتری" معرفی کرده است. ^{۷۹} علامه حلی او را ثقه و بتری دانسته است. ^{۸۰}

و حید بهیسانی در حاشیه خود بر مجمع الفائدة آورده است:

سند حدیث ^{۸۱} تا غیاث، صحیح و غیاث نیز نزد نجاشی ثقه است؛ اگر چه شیخ گفته که وی بتری المذهب ^{۸۲} است؛ ظاهر آن است که شیخ توهم کرده؛ زیرا روایات صادره از او صراحت دارد که وی شیعه دوازده امامی است. امثال این روایات از او بسیار است و نجاشی بدون شبهه اضط از شیخ است. ^{۸۳}

آقای خویی علیه السلام، در رجال خود، غیاث بن ابراهیم را که شیخ طوسی از اصحاب امام باقر علیه السلام و بتری دانسته با غیاث بن ابراهیم که از اصحاب امام صادق و کاظم است، مغایر شمرده است. ^{۸۴}

ب. محمد بن خالد برقی

وی از اصحاب امام رضا علیه السلام است. نجاشی وی را در حدیث ضعیف شمرده است، ^{۸۵} لکن شیخ طوسی علیه السلام، وی را توثیق نموده و در زمره اصحاب امام کاظم علیه السلام، امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام شمرده است. ^{۸۶} علامه حلی علیه السلام، ضمن نقل اقوال ابن غضائری، نجاشی و شیخ طوسی، وی را توثیق کرده و فرموده است که اعتمادی به قول شیخ طوسی است. ^{۸۷} گفته شده است که سخن نجاشی، ظهور در تضعیف محمد بن خالد برقی ندارد بلکه تضعیف وی به

۲۲۴



صاحب‌المنهج فی تفسیر علوم حدیث

۷۷. رجال الطوسی، ص ۱۴۲، ش ۱۵۴۲ و ص ۲۶۸، ش ۳۸۵۳.

۷۸. ثقه، روی عن ابی عبدالله و ابی الحسن علیهما السلام (رجال النجاشی، ص ۳۰۵، ش ۸۳۳).

۷۹. رجال الطوسی، ص ۱۴۲، ش ۱۵۴۲.

۸۰. خلاصة الأقوال، ص ۳۸۵، ش ۱۵۴۷.

۸۱. ر.ک: وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۳۶۵؛ مجمع الفائدة والبرهان، ج ۱۱، ص ۲۶۶.

۸۲. "بتریه"، فرقه‌ای از زیدیه‌اند که به عنوان پیروان "مغیره بن سعید" ملقب به ابتر و یا "حسین بن صالح کثیر النواء" و ... شناخته شده‌اند، درباره امام علی علیه السلام معتقدند که وی پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به جهت فضل، سابقه، علم، شجاعت، سخاوت، ورع و زهد، شایسته‌ترین فرد برای منصب خلافت است؛ با این وجود، امامت مفضول (ابوبکر و عمر) را اجازه داده و آن دو را لایق این مقام می‌شمارند و برای توجیه این عقیده می‌گویند که علی علیه السلام به ولایت آنان رضایت داده و بدون اکراه و اجبار با آنان بیعت کرده است؛ اما نسبت به عثمان، طلحه، زبیر و عایشه، خشم گرفته‌اند. ر.ک:

اصول الحدیث، ص ۲۱۱؛ تلخیص مقیاس الهدایة، ص ۱۴۲؛ مقیاس الهدایة، ج ۲، ص ۳۴۹.

۸۳. مجمع الفائدة، ص ۷۱۷.

۸۴. معجم رجال الحدیث، ج ۱۳، ص ۲۳۱-۲۲۴، ش ۹۳۸۰.

۸۵. رجال النجاشی، ص ۳۳۵، ش ۸۹۸.

۸۶. رجال الطوسی، ص ۳۳۳، ش ۵۱۲۱ و ص ۳۶۳، ش ۵۳۹۱ و ص ۳۷۷، ش ۵۵۸۵.

۸۷. خلاصة الاقوال، ص ۲۲۷، ش ۸۱۳.

حدیث او باز می‌گردد چون او از ضعفا نقل حدیث و بر مراسیل اعتماد می‌کرده است. همچنان که ابن غضایری بر این مطلب تصریح نموده است؛ بنابراین، توثیق شیخ بلا معارض است. ۸۸

شهید ثانی در بحث نکاح کتاب مسالک، در مسئله توارث به سبب عقد مؤقت (منقطع)، پس از نقل روایتی که در طریق آن "برقی" واقع شده، می‌گوید:

او [برقی] بین محمد بن خالد و برادرش حسن، و پسرش احمد، مشترک است و همه آنان بر اساس قول شیخ طوسی رحمته‌الله، تفهاند و لکن نجاشی، محمد بن خالد را تضعیف کرده و ابن غضایری نیز گفته است که گروهی از او اخذ حدیث می‌کنند و گروهی دیگر حدیث او را مردود می‌شمارند، از ضعفا روایت و بر مراسیل اعتماد می‌کند. و اگر جرح و تعدیل با هم متعارض شدند، جرح مقدم است و ظاهر حال نجاشی این است که او در جمع رجال شناسان از همه آنان اضبط و به احوال راویان آگاه‌تر است. ۸۹

همچنان که ملاحظه شد، علامه، در تعارض توثیق شیخ طوسی و تضعیف نجاشی، قول شیخ طوسی را ترجیح داده و شهید ثانی، جانب جرح و قول نجاشی را مقدم داشته است. این احتمال هم هست که تقدیم رأی شیخ بر نجاشی به خاطر این باشد که نجاشی در تضعیف ممد بن خالد، از استادش ابن غضایری متأثر باشد. گرچه به طور قطع چنین مطلبی ثابت نیست. چون نجاشی در موارد بسیاری بر خلاف ابن غضایری نظر داده و یا اینکه، راویان را تضعیف نموده، ولی روایت از مراسیل و ضعفا و نیز واقفی بودن را مانع از وثاقت راوی در حدیث ندانسته است و در برخی موارد نیز راویان را از نسبت‌های غلو تبرئه کرده است.

علامه بحر العلوم، وثاقت محمد بن خالد برقی را از طریق جمع قرائن ذیل محرز می‌داند:

۱. فراوانی روایت او؛ ۲. سلامت روایات او؛ ۳. اکثار روایت کلینی از او؛ ۴. نقل فراوان صدوق از او؛ ۵. وجود طریق در من لا یحضره الفقیه به او؛ ۶. بودن او از رجال نوادیر الحکمة؛ ۷. روایت بزرگان اصحاب از وی نظیر احمد بن محمد بن عیسی؛ ۸. روایت مرسله مجلسی رحمته‌الله؛ ۹. دال بر استغفار حضرت رضا رحمته‌الله برای او. ۹۰

ج. سهل بن زیاد آدمی

سهل بن زیاد از جمله راویانی است که فراوان در زنجیره روایات واقع شده و معركة آرای رجالیان و محدثان و فقهاست. نجاشی رحمته‌الله درباره وی می‌نویسد: "کان ضعیفاً فی الحدیث، غیر معتمد فیه". وی در ادامه می‌افزاید:

۸۸. همان، ص ۲۳۸ پاورقی.

۸۹. ر.ک: اصول علم الرجال، ص ۱۶۴؛ الرجال السید بحر العلوم، ج ۲، ص ۲۵.

۹۰. رجال السید بحر العلوم، ج ۱، ص ۳۲۷-۳۴۸.

احمد بن محمد بن عیسی به غلو و کذب او گواهی داده و وی را از قم به ری تبعید کرده است.^{۹۱} شیخ طوسی رحمته وی را اهل ری و ثقه و در زمره اصحاب امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام شمرده است.^{۹۲} لکن در *الفهرست* خود او را تضعیف نموده است.^{۹۳} علامه حلی می فرماید:

شیخ طوسی رحمته در یک جا سهل بن زیاد را توثیق و در چند موضع وی را تضعیف کرده است. نجاشی نیز او در حدیث ضعیف و غیر قابل اعتماد دانسته است و ابن غضایری نیز او را ضعیف، فاسد الروایة و المذهب شمرده است.^{۹۴}

سید بحر العلوم، ضمن نقل آرای شیخ طوسی و ابن غضایری و ابن الولید و شیخ صدوق و ابو العباس بن نوح (استاد نجاشی) و نجاشی در تضعیف سهل، می فرماید:

قول اصح، توثیق اوست چنانکه گروهی از محققان بر این نظرند؛ شیخ رحمته در رجال خود به آن تصریح دارد و بزرگان اصحاب حدیث نظیر صدوقین علیهم السلام (شیخ صدوق و پدر وی) و کلینی رحمته و جز آنان به وی اعتماد کرده و بسیار از او روایت کرده اند. علاوه بر کثرت روایاتش در اصول و فروع و سلامت آنها از هر گونه طعن و ضعف به ویژه از اتهام غلو - چه اینکه بهترین گواه بر پاکی او همین روایات است - ریشه تضعیف سهل بن زیاد چنانکه از سخن بزرگان هویداست، احمد بن محمد بن عیسی اشعری است و وضعیت قمی ها بویژه، ابن عیسی در افراط در طعن و قدح و تبعید راویان از قم به اندک اتهام و شک، برای همگان روشن است. اگر چنان ضعف و غلو و کذبی در او بود، مسلماً از سوی ائمه علیهم السلام مورد نکوهش قرار می گرفت و از پذیرش روایات او نهی می شد همچنانکه درباره دیگر ضعفا وارد شده است...^{۹۵}

ابو علی حائری، منشأ تضعیف سهل بن زیاد را، بر خورده احمد بن محمد بن عیسی اشعری یا وی دانسته و همین امر را برای هر انسان منصف و اندیش مندی، موجب ضعف آن و قوت توثیق سهل شمرده است. از جمله مؤیدات وثاقت و اعتبار سهل، کثرت روایت کلینی رحمته از اوست علی رغم اینکه در پذیرش روایات و دوری گزیدن از متهمان، بسیار محتاط بودند. علاوه بر این اصحاب بر اساس بیش تر روایات او فتوا داده اند.^{۹۶}

وحید بهبهانی رحمته در تعلیقه اش بر رجال میرزا محمد استرآبادی (*منهج المقال*) در شرح حال سهل بن زیاد می نویسد:

۲۲۶
▲
ضمیمه تحقیقی علوم حدیث

۹۱. رجال النجاشی، ص ۱۸۵، ش ۴۹۰.
 ۹۲. رجال الطوسی، ص ۳۷۵، ش ۵۵۵۶ و ص ۳۸۷، ش ۵۶۹۹؛ نیز ر.ک: اختیار معرفة الرجال، ص ۶۰۸، ش ۱۰۶۹.
 ۹۳. الفهرست، ص ۸۰، ش ۳۲۹؛ نیز الاستبصار، ج ۳، ص ۲۶۱، ح ۹۳۵.
 ۹۴. ر.ک: خلاصة الأتوال في معرفة الرجال، ص ۳۵۷، ش ۱۴۱۰؛ الرجال لابن الغضائری، ص ۶۷، ش ۶۵.
 ۹۵. الرجال السید بحر العلوم، ج ۳، ص ۲۱-۲۵.
 ۹۶. منهج المقال، ج ۳، ص ۴۲۷-۴۲۸.

سهل بن زیاد گرچه به ضعف شهرت یافته، به دلیل توثیق شیخ طوسی رحمته تأمل برانگیز است و دیگر اینکه کثیر الروایة است و روایاتش مورد پذیرش و به آنها فتوا داده شده است. و دیگر اینکه، گروهی از اصحاب از وی روایت کرده‌اند... بدین ترتیب، همگی نشانه‌های وثاقت، اعتماد و قوت در او جمع است.^{۹۷}

آقای خوبی رحمته و جوهری را که وحید در توثیق سهل بن زیاد یاد آورده، ناتمام دانسته،

می‌فرماید:

بر فرض قبول آنها چگونه می‌توان بر آنها اعتماد کرد در حالی که احمد بن محمد بن عیسی، ابن ولید، ابن بابویه، ابن نوح، شیخ و نجاشی به ضعف او گواهی داده‌اند. بلکه از سخن شیخ طوسی در استبصار چنین بر می‌آید که ضعف او مورد اتفاق همه ناقدان اخبار است. بنابراین، جز گواهی شیخ در رجالش بر وثاقت سهل و وقوع او در اسناد کامل الزیارت و تفسیر علی بن ابراهیم قمی باقی نمی‌ماند. واضح است که نمی‌توان بر آنها اعتماد نمود، بلکه به احتمال زیاد، توثیق او یا ناشی از سهو القلم شیخ، و یا زیادت نسخه برداران است.^{۹۸}

ملا محمد تقی شوشتری گرچه توثیق شیخ رحمته را در برابر اتفاق رجال شناسان بر تضعیف سهل بن زیاد از درجه اعتبار ساقط دانسته، در پایان بحث، فراوانی روایات کلینی را از سهل دلیل بر اعتمادش به او شمرده و احتمال داده که توثیق شیخ نیز به همین جهت باشد و از این روی، روایات سهل در الکافی را معتبر شناخته است.^{۹۹}

شیخ انصاری رحمته درباره سهل می‌گوید:

امر درباره او سهل است؛ زیرا حدیث بسیار نقل می‌کند و این خود، نشانه توثیق اوست.^{۱۰۰}

آیه الله حکیم و آیه الله بروجردی و آیه الله خوانساری و امام خمینی رحمته نیز، کثرت روایت و اتقان آن و توجه وافر مشایخ حدیثی به روایات سهل را از جمله قرائن وثاقت وی دانسته‌اند.^{۱۰۱}

امام خمینی رحمته درباره سهل بن زیاد چنین می‌گوید:

... فان سهل بن زیاد و ان ضَعْف، لكن المتبع في رواياته يطمئن بوثاقته من كثرة رواياته و اتقانها و اعتناء المشايخ بها. فوق ما يطمئن من توثيق اصحاب الرجال كما رجحنا بذلك وثاقة ابراهيم بن هاشم القمي و محمد بن اسماعيل النيشابوري (راوية الفضل بن شاذان) و

۹۷. الرجال السيد بحر العلوم، ج ۳، ص ۲۳ و ۲۴ پاورقی.

۹۸. ر.ک: معجم رجال الحديث، ج ۹، ص ۳۳۷-۳۴۰

۹۹. قاموس الرجال، ج ۵، ص ۳۶۰-۳۶۲.

۱۰۰. الصلاة، ج ۶، ص ۷۶، چاپ کنگره.

۱۰۱. ر.ک: مستمسک العروة الوثقى، ج ۵، ص ۳۶۵؛ تقریرات آیه الله بروجردی، ج ۱، ص ۲۶۰؛ جامع المدارک، ج ۷،

غير هما؛ ولا استبعد كون الزبيرى ايضاً من هذا القبيل.^{۱۰۲}

گرچه سهل بن زیاد تضعيف شده، مسلماً اگر کسی در روايات او جستجو و بررسی کند، از طريق کثرت روايات و اتقان آنها و نیز توجه و اعتنائی مشايخ به آنها - اطمینان به وثاقت او پیدا خواهد کرد، اطمینانی بیش از آن چه از طريق توثيق رجال شناسان به دست می آید - همچنان که از این طريق، وثاقت ابراهيم بن هاشم قمی و محمد بن اسماعيل نيشابوری و جز آنان را ترجیح دادیم و بعيد نمی دانم که زبیری نیز از این شمار باشد.

۶. تعارض رأی نجاشی با شيخ صدوق (م ۳۸۱ ق)

ابو جعفر محمد بن علی بن بابويه قمی نامبردار به شيخ صدوق از محدثان بزرگ شیعه در قرن چهارم هجری است، پدر او از علمای بزرگ شیعه و به سخن نجاشی استاد و سرآمد محدثان حوزه قم در عصر خود بود^{۱۰۳}. شيخ صدوق، بیش از دوست اثر علمی داشته^{۱۰۴} که شيخ طوسی و نجاشی از آنها یاد کرده اند.^{۱۰۵}

در بین مشايخ صدوق، پدرش علی بن بابويه قمی (م ۳۲۹ ق) و استادش محمد بن الحسن بن الوليد (م ۳۴۳ ق) موقعیت ویژه ای داشته اند.^{۱۰۶} از جمله شاگردان بنام وی می توان از عبدالله حسین بن عبيدالله غضایری، ابو عبدالله حسین بن علی بن بابويه (برادر شيخ)، علی بن احمد بن العباس النجاشی (پدر نجاشی)، سید مرتضی علم الهدی و شيخ مفید و... یاد کرد.^{۱۰۷} نجاشی در رجال خود، شرح حال شيخ صدوق^{۱۰۸} را یاد آور شده است.^{۱۰۸} علامه مجلسی اول، پس از ذکر این نکته که شيخ صدوق از ضعف فراوان روایت کرده است، می نویسد:

شيخ صدوق نیز همانند دیگر متقدمان، صحیح را بر حدیثی اطلاق کرده که از نظر او محل اعتماد بوده است و گرنه تعداد فراوانی از روايات کتاب وی [کتاب من لا یحضره الفقيه] براساس معیار متأخران در شمار احادیث حسن، موثق و بلکه ضعیف قرار می گیرد.^{۱۰۹}

امام خمینی^{۱۱۰}، فوق العاده به اقوال رجالی شيخ صدوق^{۱۱۱} عنایت داشته، مرسلات جز می وی را معتبر و حجت دانسته اند؛ به این دلیل که صدوق، اهل اجتهاد و متعارف نبوده است؛ و از این رو، می توان اطمینان یافت که توثيق و تصحیح او، ناشی از قرائنی آشکار بوده است که اگر به ما نیز می رسید، آن خبر را حجت می دانستیم!^{۱۱۱}

۱۰۲. کتاب الطهارة، ج ۱، ص ۱۴۷.

۱۰۳. رجال النجاشی، ص ۲۶۱، ش ۶۸۴.

۱۰۴. معانی الأخبار، ص ۸۲.

۱۰۵. رجال النجاشی، ص ۳۸۹، ش ۱۰۴۹؛ الفهرست، طوسی، ش ۳۸۲.

۱۰۶. پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، ص ۴۷۹.

۱۰۷. معانی الأخبار، ص ۶۸-۷۲.

۱۰۸. رجال النجاشی، ص ۳۸۹، ش ۱۰۴۹.

۱۰۹. روضة المتقين، ج ۱، ص ۱۹.

۱۱۰. مبنای رجالی امام خمینی، ص ۸۱-۸۲.



الف. محمد بن اسحاق بن عمار

نجاشی، محمد بن اسحاق را توثیق و او را از راویان امام کاظم علیه السلام معرفی کرده است؛^{۱۱۱} شیخ طوسی علیه السلام او را از اصحاب امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام شمرده است؛^{۱۱۲} شیخ مفید نیز وی را از خواص، ثقات و شیعیان امام کاظم علیه السلام و اهل ورع، علم و فقه دانسته است.^{۱۱۳} آقای خوئی، پس از نقل او قال رجال شناسان شیعه از جمله نجاشی، شیخ طوسی، مفید و ابن شهر آشوب، می گوید:

با توجه به شهادت نجاشی و مفید، تردیدی در وثاقت محمد بن اسحاق بن عمار نیست؛ تنها سخنی که هست در باب مذهب اوست که علامه علیه السلام از ابو جعفر بن بابویه (شیخ صدوق) آورده است که او واقفی است و من نیز در روایت از او توقف و احتیاط می کنم^{۱۱۴}. به نظر من، مستند سخن شیخ صدوق و ابن داوود روایتی است که صدوق در عیون اخبار الرضا علیه السلام نقل کرده است که گروهی از واقفه بر امام رضا علیه السلام وارد شدند که در میان آنان علی بن ابن حمزه بطائنی، محمد بن اسحاق بن عمار و حسین بن مهران و حسن بن ابی سعید مکاری بودند. این روایت ضعیف است و نمی توان بر آن استدلال کرد؛ چه اینکه در سند آن، «جریر بن حازم» واقع شده که مجهول است. وانگهی، شیخ صدوق، حکم به واقعی بودن وی نداده است، بلکه تنها این روایت را نقل کرده و معلوم نیست که بر آن اعتماد کرده باشد؛ از این رو، وجهی برای نسبت قول واقفی بودن وی به ابن بابویه - آنچنانکه علامه و ابن داوود مطرح کرده اند - نمی شناسیم.^{۱۱۵}

ظاهراً حضرت امام علیه السلام در مقام تعارض تضعیف شیخ صدوق با توثیق نجاشی، تمایل بیشتری به پذیرش تضعیف صدوق نشان داده، درباره محمد بن اسحاق می گوید:

و محمد بن اسحاق وان وثقه النجاشی، لكن العلامة توقف فيه، لما نقل عن الصدوق من أنه واقفی و يظهر من محکمی کلام ابن داوود ايضاً التوقف و لقد تصدّى بعضهم لاثبات عدم كونه واقفياً فكيف كان فهو ما واقفی ثقة او امامی كذلك^{۱۱۶} وی در پایان با تاکید بر خبر وثیت صدوق در رجال، می افزاید:

ولهذا فقی نفسی شسیء من محمد بن اسحاق الصراف الواقفی بقول الصدوق الذی هو

اخبر من متأخري اصحابنا بحال الرجال.^{۱۱۷}

۱۱۱. رجال النجاشی، ص ۳۶۱، ش ۹۶۹.

۱۱۲. رجال الطوسی، ص ۳۴۴، ش ۵۱۲۹ و ص ۳۶۷، ش ۵۴۱۰.

۱۱۳. معجم رجال الحديث، ج ۱۷، ص ۷۰؛ الارشاد، ج ۲، ص ۲۴۸.

۱۱۴. خلاصة الأقوال في معرفة الرجال، ص ۲۶۲، ش ۹۲۱.

۱۱۵. معجم رجال الحديث، ج ۱۵، ص ۷۱ و ۷۲ ذیل ش ۱۰۲۰۵.

۱۱۶. میانی رجالی امام خمینی، ص ۸۳ به نقل از کتاب البیع، ج ۲، ص ۴۱۳.

۱۱۷. همان.

ب. حسن بن حسین لؤلؤی

نجاشی، وی را توثیق نموده^{۱۱۸} و شیخ نام او را در رجالش در زمره کسانانی آورده که از معصومین^ع روایت نکرده است. و ابن بابویه (شیخ صدوق) او را تضعیف کرده است؛^{۱۱۹} نجاشی در شرح حال محمّد بن احمد بن یحیی می فرماید:

محمّد بن الحسن بن الولید (استاد شیخ صدوق) از روایات محمّد بن احمد بن یحیی اشعری قمی - که ثقه است ولی از ضعف نقل حدیث می کند - متفرّدات حسن بن حسین لؤلؤی را استننا و ابو جعفر بن بابویه (صدوق) و ابوالعباس بن نوح نیز از وی پیروی کرده اند.^{۱۲۰}

آقای خوئی، ضمن نقل اقوال نجاشی و شیخ طوسی و تضعیف شیخ صدوق و استادش می فرماید:

گروهی یادآور شده اند که حسن بن حسین لؤلؤی نام دو نفر است: یکی، پدر احمد بن حسن بن حسین لؤلؤی و دیگری راوی وی که معروف است و بر این مطلب به سخن نجاشی و شیخ استناد کرده اند.^{۱۲۱} اما صحیح آن است که این نام متعلق به یک نفر یعنی همان راوی احمد است و پدر احمد متصف به لؤلؤی نیست. بر فرض تعدد هم، بدون تردید، حسن بن حسین لؤلؤی به کسی که هنگام توثیق یا تضعیف، به این وصف شناخته شده، انصراف دارد؛ زیرا پدر احمد، حتی یک روایت هم از او نقل نشده است. و اگر هم روایتی داشت، مسلماً فرزندش، احمد آن را نقل می کرد. بنابراین، توثیق نجاشی و تضعیف ابن ولید و صدوق و ابوالعباس براساس سخن نجاشی، هر دو مرتبط به یک نفر است؛ در نتیجه، نمی توانیم به وثاقت این شخص حکم کنیم.^{۱۲۲}

امام خمینی^ع نیز همانند آقای خوئی، درباره تضعیف حسن بن حسین لؤلؤی، از سوی صدوق و توثیق وی از سوی نجاشی می گوید: سخن صدوق درباره وی، اگر مقدم بر سخن نجاشی نباشد، کمتر از آن نیست.^{۱۲۳}

جمع بندی و نتیجه گیری

همچنان که اشاره شد، بحث تعارض جرح و تعدیل راویان و تعارض آرای رجال شناسان از جمله موضوعات مطرح در دانشهای رجال و اصول فقه است؛ راه کارهای عملی پیشنهاد شده در حل تعارض ها، براساس مبانی رجالی و اصولی اندیشمندان شیعه متفاوت است؛ با

۱۱۸. رجال النجاشی، ص ۴۰، ش ۸۳

۱۱۹. الرجال، طوسی، ص ۴۲۴، ش ۶۱۱۰

۱۲۰. رجال النجاشی، ص ۳۴۸، ش ۹۳۹؛ خلاصة الأقال فی معرفة الرجال، ص ۱۰۲، ش ۲۳۲.

۱۲۱. رجال النجاشی، ص ۷۸، ش ۱۸۵؛ رجال الطوسی، ص ۴۱۵، ش ۶۰۰۷؛ الفهرست، طوسی، ش ۵۹.

۱۲۲. مجمع رجال الحدیث، ج ۴، ص ۳۰۸ - ۳۱۰، ش ۲۷۸۴.

۱۲۳. مبانی رجالی امام خمینی، ۸۴، به نقل از کتاب الطهارة، ج ۲، ص ۲۱۸.



توجه به مباحث این نوشتار در مجموع می‌توان به این نتایج دست یافت:

۱. بحث تعارض جرح و تعدیل در دو مقام مستقل قابل طرح است: مقام اول، اینکه آیا به هنگام تعارض جرح (تضعیف) و تعدیل (توثیق) روایت، کدام مقدم است؟ آیا باید جانب جرح را بر تعدیل مقدم داشت و یا بالعکس جانب تعدیل را بر جرح؟ آیا باید قایل به توقف شد؟ و یا اینکه می‌باید تفصیل در مسئله قایل شد؟ آیا باید به قرائن و امارات خارجی توجه کرد؟ در این مقوله اقوال مختلفی است که تفصیل آن در این مقال نمی‌گنجد.^{۱۲۴}

مقام دوم، اینکه بر فرض وقوع تعارض، آیا معیار یا معیارهایی ویژه برای ترجیح آرای رجال شناسان متقدم و یا متأخر شیعه بر یکدیگر وجود دارد؟ آیا همه خبرگان دانش رجال، بر تقدم رأی یکی از رجال شناسان نظیر نجاشی بر دیگران، اتفاق نظر و اجماع دارند؟ نوشتار پیش روی، ناظر به مقام دوم است.

۲. بدون تردید نجاشی و کتاب رجال او در منظر رجال شناسان و اصولیان و فقهای بزرگ شیعه، از امتیاز ویژه‌ای برخوردار است، و چه بسا بتوان ادعا نمود که کتاب او از بهترین و مهم‌ترین و متقن‌ترین کتب رجالی و از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی نگارنده نیز ضبط و دقت و مهارت او در این دانش است.^{۱۲۵} این معنا به وضوح در سخنان بسیاری از بزرگان و اندیشمندان شیعه نظیر سید بحر العلوم، شیخ آقا بزرگ، محدث نوری، سید حسن صدر، ملا محمد تقی شوشتری، آقای خویی، آقای خامنه‌ای، استاد سبحانی و دیگران مشهود است.

۳. در مورد ترجیح رأی نجاشی بر ابن غضایری، براساس نظر کسانی نظیر آقای خویی که در اصل انتساب کتاب الضعفاء به ابن غضایری تردید دارد، هیچگونه بحثی نیست؛ اما کسانی نظیر مرحوم شوشتری که ابن غضایری را در دقت نظر بی نظیر و اعتماد نجاشی بر او را دلیل بر همین معنا دانسته، بر این باورند که «تقدم قول شیخ و نجاشی بر او (ابن غضایری) معلوم نیست». به عنوان نمونه وی همچنین درباره (بکر بن صالح رازی) معتقد است که وی با توجه به قرائن ثقه است، گرچه ابن غضایری و به پیروی از او، نجاشی، او را نکوهش کرده‌اند.^{۱۲۶}

۴. اما در مورد تعارض رأی نجاشی با شیخ طوسی، با اینکه مرحوم شوشتری اظهار می‌دارد که نجاشی تنها در یک جا به الفهرست ابن ندیم استناد کرده است و آن در مورد «بُنْدَار

۱۲۴. برای آگاهی بیشتر در این باره ر.ک: مقیاس الهدایة، ج ۲، ص ۱۱۳-۱۱۷ و نیز تأسیس الشیعة، سید حسن؛ نه‌ایة الدرایة، ص ۳۶۵-۴۴۱؛ معاییر الجرح و التعدیل، مجلة الفكر الاسلامی، ش ۶، ۱۴۱۵ ق، ص ۱۱۵-۱۲۶.

۱۲۵. تأسیس الشیعة، ص ۲۹۴.

۱۲۶. قاموس الرجال، ج ۱، ص ۵۵؛ الرجال لابن الغضائری، ص ۴۴، ش ۱۹؛ رجال النجاشی، ص ۱۰۹، ش ۲۷۶.

بن محمد^{۱۲۷} است و شیخ طوسی، فراوان از ابن ندیم اخذ کرده است؛ از این رو، *الفهرست* نجاشی، از بعضی جهات از *الفهرست* شیخ معتبرتر است، و با اینکه نجاشی را اضبط از شیخ می‌داند، معتقد است در همه جا نمی‌توان حکم به تقدم سخن نجاشی بر قول شیخ طوسی^{۱۲۸} نمود، بلکه باید قرائن را در نظر گرفت، بلکه گاهی قول شیخ به شهادت قرائن بر قول نجاشی و کثی مقدم می‌شود.^{۱۲۸} علاوه بر وی، بسیاری نیز قایل به ترجیح و برتری رجال نجاشی بر *الفهرست* و رجال شیخ هستند.

۵. و اما در مورد تعارض رأی نجاشی با شیخ مفید، مرحوم آقای خوئی در یک مورد، قول شیخ مفید را بر نجاشی مقدم دانسته اگرچه قرائن دیگری از جمله آرای موافق شیخ طوسی، ابن شهر آشوب و شیخ صدوق و نیز احتمال اثر پذیری نجاشی از ابن غضایری در تضعیف «مفضل بن عمر» مؤید همین معناست، به نظر می‌رسد که نظر روشنی در این باره وجود ندارد؛ وی در همین مورد در اثر فقهی خود و نیز دربارهٔ محمد بن سنان و داوود بن کثیر در رجال خود، جانب جرح و تضعیف نجاشی را ترجیح داده، معتقد است چون نجاشی اضبط از مفید است و از مفید گاهی مناقضاتی دیده می‌شود؛ بنابراین، قول نجاشی تقدم دارد.

۶. و اما در مورد تعارض رأی نجاشی با شیخ صدوق^{۱۲۹}، در یک مورد با توجه به قرائن و شواهد، قول وی را بر صدوق مقدم داشته، در موردی دیگر، قول صدوق را مبنی بر تضعیف راوی (حسن بن حسین لؤلؤی) بر توثیق نجاشی برتری داده است؛ از دیدگاه امام خمینی^{۱۳۰} نیز برمی‌آید که ایشان به اقوال رجالی شیخ صدوق اهتمام و عنایتی ویژه داشته، گاهی رأی او را کمتر از رأی نجاشی ندانسته است. علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۷. یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح در باب حجیت روایات، این است که آیا ملاک حجیت و اعتبار روایت و ثاقت راویان است و یا اینکه معیار، و ثاقت و اطمینان به صدور روایت از معصومان^{۱۳۱} است هر چند راویان آن توثیق نشده باشند و یا اینکه احیاناً تضعیف شده باشند؟ در این مورد دو دیدگاه متفاوت وجود دارد و هر یک از این دو ملاک طرفدارانی دارد که در پاره‌ای موارد، موجب اختلاف آرا و فتاوی‌های فقهی فقها گردیده است. مورد اتفاق و اشتراک این دو نظر، وجود خبر ثقه‌ای است که اطمینان به صدور آن نیز پدید آمده است. لکن نقطه افتراق آن دو، یکی خبری است که هر چند همهٔ راویان آن ثقه و مورد اعتمادند، به دلیل تعارض با روایات دیگر و یا ناسازگاری با ظواهر و نصوص قرآنی و دلایل معتبر عقلی و یا



اعراض اصحاب از آن، و ثوق و اطمینان به صدور آن از معصومان علیهم السلام نیست. و دیگری، خبری است که هر چند در سلسله سند آن، راویان ضعیف و یا مجهول وجود دارند، به جهت قرائن و شواهدی نظیر عمل اصحاب به مضمون روایت، اتقان و قوت متن، تظافر و فراوانی روایات، تأیید متن به وسیله دیگر روایات صحیح، میزان ضبط و دقت راوی، نقل و اعتماد مشایخ حدیث از او و کثرت روایات راوی در ابواب مختلف فقهی، اطمینان به صدور حاصل می‌شود. بدیهی است کسانی که تنها راه دست یازیدن به حجیت روایات را، وثاقت راویان می‌دانند، در صورت عدم احراز وثاقت آنان، روایات از نظر آنان از حیز اعتبار و انتفاع بیرون خواهند بود و براساس نظر دوم، وثاقت راویان، می‌تواند تنها به عنوان یکی از طرق اطمینان به صدور روایات به شمار رود و قرائن دیگری نیز بر اعتبار و حجیت آنها - فراتر از بررسی احوال راویان و توثیق و تضعیف سندی روایات - وجود دارد. به نظر بنده نیز جرح و تعدیل راویان می‌تواند دلایل گوناگونی داشته باشد و صرفاً نمی‌توان از طریق آرای رجال شناسان درباره روایان و به ویژه صحت و سقم روایات آنان به طور جزم و قطع داوری کرد.

امام خمینی علیه السلام درباره «وثاقت» محمد بن اسماعیل نیشابوری، سهل بن زیاد، ابراهیم بن هاشم، زبیری، نوفلی و سکونی از این قرائن داخلی و خارجی استفاده نموده‌اند. به عنوان مثال، وی، ضمن بحث از صحیح «عبدالرحمان بن حجاج» در خصوص وثاقت محمد بن اسماعیل، چنین می‌گوید:

ولیس فی طریقها من يتأمل فيه الا محمد بن اسماعيل النيشابوري، الذي لم يرد فيه توثيق و انما هو رواية الفضل بن شاذان، لكن من تفحص رواياته اطماناً بوثاقته و اتقانه، فان كثيراً من رواياته لو لم نقل اغلبها، منقولة بطريق آخر صحيح او موثق او معتبر طابق النعل بالنعل؛ والوثوق و الاطمینان الحاصل من ذلك، اكثر من الوثوق الذي يحصل بتوثيق الشيخ او النجاشي او غيرهما. ^{۱۲۹}

در طریق روایت کسی که قابل بحث و تأمل باشد جز محمد بن اسماعیل نیشابوری نیست - کسی که درباره او توثیق وارد نشده است - وی راویه (بسیار روایت کننده) فضل بن شاذان است؛ لکن اگر کسی روایات او را بررسی نماید، به وثاقت و اتقان او اطمینان می‌یابد؛ چه اینکه بسیاری از روایاتش - اگر نگوییم اکثر آنها - از راه‌های صحیح، موثق و معتبر دیگری به طور کامل نقل شده است. و وثوق و اطمینانی که از این راه به دست آید، بیش از وثوقی است که از طریق توثیق شیخ طوسی یا نجاشی و جز آن دو حاصل می‌شود.

۸. نتیجه نهایی اینکه، گرچه به طور طبیعی و براساس قواعد رجالی، دانش‌مندان برای نجاشی امتیازی ویژه قایل شده‌اند، در بسیاری از موارد، در اعتماد و اطمینان به راویان و عمل



به روایات آنان حاکم نهایی، قرائن و امارات خارجی از جمله عمل و فتوای اصحاب و یا اعراض آنان، فراوانی روایات در یک موضوع، اتقان و قوت مضمون و محتوای روایات و یا سازگاری و انطباق محتوای روایات با قرآن کریم، سنت قطعی و مستفیضه، حکم عقل و اصول مسلم اعتقادی اسلامی است.^{۱۳۰} به عنوان نمونه حضرت امام خمینی^ع، در بحث ولایت فقیه به روایت «الفقهاء حصون الاسلام» استناد کرده‌اند؛ این روایت را علی بن ابی حمزه بطائنی از امام موسی بن جعفر^ع نقل کرده است که بیشتر رجالیان وی (علی بن ابی حمزه) را تضعیف نموده‌اند. امام^ع با آوردن مجموعه ای از قرائن، معتبر بودن این روایت و بلکه دیگر روایات او را ثابت می‌کند. ایشان در اثر فقهی خود درباره سند روایت می‌فرماید: و لیس فی سندها من یناقش فیه الا علی بن ابی حمزة البطائنی و هو ضعیف علی المعروف و قد نقل توثیقه عن بعض^{۱۳۱} و عن الشیخ فی العدة: «عملت الطائفة بأخباره»^{۱۳۲} و عن ابن الفضائری: «أبوہ اوثق منه»^{۱۳۳} و هذه الامور وان لاتثبت وثاقته مع تضعیف علماء الرجال و غیرهم ایاه، لکن لا منافاة بین ضعفه و العمل بروایاته، اتکالاً علی قول شیخ الطائفة و شهادته بعمل الطائفة بروایاته و عمل الاصحاب جابر للضعف من ناحيته و لروایة کثیر من المشایخ و اصحاب الاجماع عنه کابن ابی عمیر و صفوان بن یحیی و ابان بن عثمان و ابی بصیر و حماد بن عیسی و الحسن بن علی الوشاء و الحسین بن سعید و عثمان بن عیسی و غیرهم ممن یبلغ خمسين رجلا، فالروایة معتمدة.^{۱۳۴}

در سند روایت کسی که قابل مناقشه باشد جز علی بن ابی حمزه بطائنی نیست که بنابر نظر مشهور ضعیف است و توثیق او از سوی برخی گزارش شده است و از شیخ طوسی در کتاب *عدة الاصول* نقل شده که فرموده است: «طایفة امامیه به روایات او عمل کرده‌اند و از ابن غضائری نیز روایت شده که گفته است: «پدرش از وی موثق تر است.» و این قبیل امور گرچه وثاقت او را با وجود تضعیف رجال شناسان و جز آنان ثابت نمی‌کند، براساس قول شیخ طوسی و شهادت وی نسبت به عمل طائفة امامیه به روایاتش، منافاتی بین ضعف او و عمل به روایاتش نیست و عمل اصحاب، ضعف سندی روایت را جبران می‌کند و نیز با توجه به نقل بسیاری از مشایخ و اصحاب از او نظیر ابن ابی عمیر و صفوان بن یحیی و ابان بن عثمان و ابو بصیر و حماد بن عیسی و حسن بن علی و شفاء و حسین بن سعید و عثمان بن عیسی و جز آنان که افزون بر پنجاه نفرند؛ از این رو، روایت او قابل اعتماد است.

۱۳۰. ر.ک: مبانی رجالی امام خمینی، ص ۴۶ - ۸۷.

۱۳۱. ر.ک: معجم رجال الحديث، ج ۱۱، ص ۲۲۰ - ۲۲۷. آقای خویی^ع، پس از بحث و بررسی شواهد و ادله دال بر وثاقت وی نتیجه می‌گیرند که نمی‌توان حکم به وثاقت او نمود، بلکه با او به عنوان «ضعیف» برخورد می‌شود.

۱۳۲. *عدة الاصول*، ج ۱، ص ۱۵۰.

۱۳۳. *الرجال لابن غضائری*، ص ۵۱، ش ۳۳، ذیل عنوان: «الحسن بن علی بن ابی حمزة البطائنی» آمده است: واقف ابن واقف، ضعیف فی نفسه و ابوه اوثق منه. و نیز ر.ک: ص ۸۳، ش ۱۰۷.

۱۳۴. کتاب البیع، ج ۲، ص ۴۷۱.

کتابنامه

۳۵. الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، مفید، محمد بن محمد النعمان، قم: مؤسسة آل البيت، لتتحقیق التراث، دارالمفید، بی تا.
۳۶. اصول الحدیث و احکامه، قم: مؤسسة الامام الصادق، دوم، ۱۴۱۴ ق.
۳۷. اصول علم الرجال، فضلی، عبدالهادی، بیروت: مؤسسة ام القرى للتحقیق و النشر، دوم، ۱۴۱۶ ق.
۳۸. پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، تهران: مؤسسه فرهنگی و هنری ضریح، اول، ۱۳۷۴ ش.
۳۹. تاسیس الشیعة، صدر، سید حسن، بی جا: انتشارات علمی، بی تا.
۴۰. تفصیل و مسائل الشیعه، حر عاملی، محمد بن الحسن، طهران: المكتبة الاسلامية، پنجم، ۱۴۰۳ ق.
۴۱. تقریرات آیه الله بروجردی (اشتهاردی)، بروجردی، حسین، قم: دفتر انتشارات اسلامی، اول، ۱۴۱۶ ق.
۴۲. تلخیص مقباس الهدایة، مامقانی، شیخ عبدالله، با تلخیص و تحقیق: علی اکبر غفاری، جامعه الامام الصادق، چاپ اول، ۱۳۶۹ ش.
۴۳. تنقیح المقال، نجف: مكتبة المرتضوية، ۱۳۵۲.
۴۴. التنقیح، کتاب الصلاة، قم: دارالهادی، سوم، ۱۴۱۰ ق.
۴۵. جامع الرواة و ازاحة الاشتباهات عن الطرق و الاسناد، اردبیلی، محمد بن علی، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم پنجم، ۱۴۰۳ ق.
۴۶. جامع المدارک، خوانساری، احمد، قم: اسماعیلیان، دوم، ۱۳۶۴ ش.
۴۷. چهار کتاب اصلی علم رجال، خامنه ای، سید علی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، اول، ۱۳۶۹ ش.
۴۸. خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال، حلّی، حسن بن یوسف، بی جا: مؤسسة نشر الفقاهة، اول، ۱۴۱۷ ق.
۴۹. درآمدی بر علم رجال، فقهی زاده، عبدالهادی، (ترجمه مقدمه معجم رجال الحدیث، آقای خوبی)، مؤسسه تهران، انتشارات امیر کبیر، اول، ۱۳۷۶ ش.
۵۰. الذریعة الی تصانیف الشیعه، طهرانی، شیخ آقا بزرگ، بیروت: دارالاضواء، سوم، ۱۴۰۳ ق.
۵۱. رجال ابن داوود، ابن داوود حلّی، تقی الدین، النجف، المطبعة الحیدریة، ۱۳۹۲ ق.
۵۲. رجال السید بحر العلوم (الفوائد الرجالیة)، بحر العلوم، محمد مهدی، تحقیق: محمد صادق بحر العلوم، تهران: مكتبة الصادق، اول، ۱۳۶۳.
۵۳. رجال الطوسی، تحقیق: جواد قتیومی اصفهانی، قم: مؤسسة النشرة الاسلامی، اول، ۱۴۱۵ ق.
۵۴. رجال النجاشی، نجاشی، احمد بن علی، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسة النشر

الاسلامى، ١٤٠٧ ق.

٥٥. الرجال لابن الغضائرى، ابن غضائرى، احمد بن حسين بن عبيدالله، تحقيق: سيد محمد رضا حسيني جلالى، قم: دارالحديث، اول، ١٤٢٢ ق.

٥٦. رجال نجاشى، مهم ترين كتاب رجال شيعه، مير شريفى، سيد على، قم: نور علم، دوره سوم، ش ٢٥، ١٣٦٦ ش.

٥٧. رسالة الرد على اهل العدد، (مجموعه مصنفات شيخ مفيد ج ٩)، قم: كنزگرة شيخ مفيد، اول، ١٤١٣ ق.

٥٨. الرعاية، جبعى عاملى، زين الدين، قم: كتابخانه آية الله مرعشى نجفى، دوم، ١٤١٣ ق.

٥٩. الروايع السماوية، مير داماد حسيني استرآبادى، محمد باقر، تحقيق: غلامحسين قيصريه ها و نعمت الله جليلى، قم: دارالحديث، اول، ١٣٨٠ ش.

٦٠. روضة المتقين فى شرح من لا يحضره الفقيه، مجلسى، محمد تقى، قم: بنياد كوشانپور، دوم، ١٤٠٦ ق.

٦١. رياض المسائل، طباطبايى، سيد على، قم: مؤسسة آل البيت ع، ١٤٠٤ ق.

٦٢. الصلاة، انصارى، مرتضى، ج ٦، تحقيق: مجمع الفكر اسلامى، اول، قم: كنزگرة شيخ انصارى، ١٤١٨ ق.

٦٣. حجة الاصول، الشيخ الطوسى، محمد بن الحسن، تحقيق: محمد رضا الانصارى، قم: مطبعة ستاره اول، ١٤١٧ ق.

٦٤. الفصول الغروية، غروى اصفهانى، محمد حسين، قم: داراحياء العلوم الاسلامى، ١٤٠٤ ق.

٦٥. الفهرست، ابن نديم، محمد بن اسحاق، تحقيق: رضا تجدد، بى جا، بى تا.

٦٦. الفهرست، تحقيق: شيخ جواد قيومى، مؤسسة نشر الفقهاهه، اول، ١٤١٧ ق.

٦٧. قاموس الرجال، شوشترى، قم: ملا محمد تقى، مؤسسة النشر الاسلامى، دوم، ١٤١٠ ق.

٦٨. الكافى، كلينى، محمد بن يعقوب، تهران: دارالكتب الاسلاميه، پنجم، ١٣٦٣ ش.

٦٩. كتاب البيع، امام خمينى، روح الله الموسوى، قم: مؤسسه مطبوعاتى اسماعيليان، بى تا.

٧٠. كتاب الطهارة، قم: مؤسسه اسماعيليان، ١٤١٠ ق.

٧١. كتاب من لا يحضره الفقيه، با تصحيح على اكبر غفارى، قم: انتشارات جامعه مدرسين حوزه علميه ١٣٩٢ ق.

٧٢. كليات فى علم الرجال، سبحانى، جعفر، قم: مركز مديريت حوزه علميه دوم، ١٤١٠ ق.

٧٣. مباني رجالى امام خمينى، صفرى فروشانى، نعمت الله، فصلنامه علوم حديث، دانشكده علوم حديث، ش

١٤، زمستان ١٣٧٨ ش.

٢٣٦



فصلنامه تخصصى علوم حديث

۷۴. مجمع الفائدة والبرهان، اردبیلی، احمد، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ ق.

۷۵. مستمسک العروة الوثقی، طباطبائی حکیم، سید محسن، قم: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی، سوم، ۱۴۰۴ ق.

۷۶. معارج الاصول، ابن طاووس حلی، سید جمال الدین، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، اول، ۱۴۰۳ ق.

۷۷. معالم الدین و ملاذ المجتهدین، عاملی، شیخ جمال الدین الحسن، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۰۶ ق.

۷۸. معانی الاخبار، شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه القمی، با تصحیح علی اکبر غفاری، قم: منشورات جامعه مدرسین حوزه علمیه ۱۳۶۱ ش.

۷۹. معجم رجال الحديث، خویی، سید ابوالقاسم، قم: مرکز نشر آثار شیعه، چهارم، ۱۴۱۰ ق.

۸۰. مقایسه دیدگاه‌های رجالی نجاشی و شیخ طوسی، معارف، مجید، مقالات و بررسی‌ها، تهران: دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ش ۶۲، زمستان ۱۳۷۶ ش.

۸۱. مقباس الهدایة، تحقیق: شیخ محمد رضا مامقانی، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، اول، ۱۴۱۱ ق.

۸۲. منتهی المقال، حائری، ابو علی، قم: آل البيت، اول، ۱۴۱۶ ق.

۸۳. نهاية الدراية، تحقیق: شیخ ماجد غرباوی، بی جا: نشر المشعر، بی تا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی